

ساختار گونه‌های معماری در قفقاز

احسان دیزانی

کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی | dizani.ehsan@gmail.com

چکیده

معماری بارزترین گواه تمدن هر سرزمین در گذر تاریخ است که با شناخت آن می‌توان به سرمایه‌های فرهنگی سرزمین‌ها پی برد. در سفر پژوهشی قفقاز، گروهی با محوریت مطالعه معماری آن سرزمین و هدف پژوهشی شناخت سیر تحول معماری قفقاز در منطقه ارمنستان و گرجستان امروزی تعریف شد. این نوشتار، بیانیه تحلیلی مستخرج از مطالعات پژوهشگران گروه معماری این سفر است. روش تحقیق، مطالعه موردی مبتنی بر مشاهدات میدانی و گردآوری اطلاعات به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای، اینترنتی، بررسی‌ها و مشاهدات میدانی، استفاده از نظر همسفران و مصاحبه با صاحب‌نظران است. پس از مشخص شدن عنوان و هدف تحقیق، سه موضوع اولیه مشخص شد که با تغییراتی در حین و بعد از سفر همراه بود.

دوره کمونیسم نقش ویژه‌ای در تحول معماری قفقاز داشته است. با شروع این دوره، روند معماری سنتی گسیخته و شیوه‌ای جدید عرضه شد که پس از فروپاشی به سرعت فراموش شده و شیوه‌ای نو به وجود آمد. از این رو معماری قفقاز به سه دوره اصلی سنت (قبل از کمونیسم)، کمونیسم و مدرن (بعد از کمونیسم) تقسیم‌بندی می‌شود. معماری دوره سنت در مقاله "نگرشی بر ساختار کلیساهای ارتدکس ارمنستان"، معماری دوره کمونیسم با پژوهش "چالش معماری مسکونی منطقه قفقاز" و معماری دوره مدرن در مقاله‌ای با عنوان "از سنت‌گرایی تا غرب‌گرایی در معماری جدید گرجستان پس از استقلال" مطالعه شده است.

یافته‌های پژوهش

ضعیف جامعه، موجب شده تا مردم توان ساخت خانه‌های جدید را نداشته باشند و تمامی عوامل معماری سکونت منطقه قفقاز را در اغما و سکون فرورده است.

سومین پژوهش تحت عنوان "از سنت‌گرایی تا غرب‌گرایی، معماری جدید گرجستان پس از استقلال است. در دوره پیش از استقلال، الگوی کمونیستی حاکم بر فضاهای شهری، منظر شهری و معماری بناها، تحت تأثیر اندیشه‌های سوسیالیستی، تکرار، تشابه و یکسان‌سازی، تأکید بر حداکثر عملکرد در مقابل حداقل تنوع و فقدان جزئیات را در اولویت قرار داده بود. ساختار کلی شهرهای امروز گرجستان بازتاب همان الگوست اما در سال‌های پس از استقلال و جدایی از بلوک شرق، نیاز شدیدی به بازسازی و نوسازی بافت فرسوده شهرها و نیز ساخت و سازهای جدید، در این سرزمین دیده می‌شود که موجب شده چهره شهرها دستخوش تغییراتی شود. از سوی دیگر، گرجستان امروز در نتیجه تعاملات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تلاش برای جذب گردشگر سعی در جهانی‌سازی و هم‌سو شدن با تحولات غرب را دارد.

از این رو، دو رویکرد متفاوت را برای وضعیت موجود پیش روی خویش قرار داده است: اول بازگشت به سنت و مؤلفه‌های حاکم بر آن که بروز این رویکرد به صورت استفاده از الگوها و عناصر کلاسیک و بکارگیری مصالح سنگی با جزئیات فراوان که از ویژگی‌های غرب‌گرایی به شمار می‌رود، دیده می‌شود. رویکرد دوم ساخت بناهای فرم‌گرا و استفاده از المان‌های شهری برای هویت‌بخشی و جذب گردشگر است. این بناهای دستوری، فارغ از آنکه با معیارهای زیباشناسانه واجد یا فاقد ارزش قلمداد شوند، بدون تداوم و هویت و بی‌نشانی از گذشته و زمینه فرهنگی و اجتماعی، به عنوان کانون‌های توجه بصری ایفای نقش می‌کنند.

در مقاله نخست "نگرشی بر ساختار کلیساهای ارتدکس ارمنستان"، کلیساهای ارتدکس از لحاظ کالبدی به چهار دوره تقسیم‌بندی شده است. دوره تکوین از قرن ۴ تا ۷ میلادی، دوره شکوفایی صومعه از قرن ۹ تا ۱۴ و دوره سوم از قرن ۱۷ تا اواسط قرن ۱۸ میلادی و دوره پایانی از قرن ۱۹ تا ۲۱ میلادی را دربرمی‌گیرد. این چهار دوره ویژگی‌های ذیل را داشته است: چارچوبی یگانه برای کارکرد و کالبد که برگرفته از اندیشه‌ها و ارزش‌های مذهبی-نمادین گذشته است که از طریق شکل تداوم یافته است. جهت شرقی-غربی که فضای اصلی، کلیسا را می‌سازد و محور اصلی که ورودی را به مهراب وصل می‌کند، این همان محور ثابت آیینی-اجتماعی و دارای ارزش‌های معنوی است که از گذشته تا امروز معرف سلسله مراتب مذهبی در بناهای آیینی است. معماری کلیساهای ارمنستان و عناصر نمادین آن با هویت و نقش ارتباط جمعی شکل گرفته است. در مجموع ساختار اصلی معماری کلیسا برگرفته از معانی، مفاهیم و نمادهای گذشته است و سایر فضاها در خدمت فضای مرکزی و متضمن پایداری ساختار بنا و تأکید بر مفاهیم مذهبی و کارکردی است.

پژوهش دوم به دلیل اهمیت و کمیت قابل توجه موضوع به "چالش معماری مسکونی منطقه قفقاز" پرداخته است. بررسی معماری سکونت در این منطقه نشان داد که کمونیسم به عنوان یک تفکر تأثیرگذار با واردکردن معماری دستوری، علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های سکونتی، موجب ایجاد سیری یکنواخت در این معماری شده است. این دوره علاوه بر تأمین مسکن از لحاظ کمی، تنوع را از میان برده و ساختاری یکسان در معماری مسکن تزریق کرده است. ادامه این شیوه پس از استقلال و حرکت به سمت جهانی‌سازی صرفاً نمایشی، باعث شده تا اقدامات در این زمینه حداقلی بوده و یا تغییرات بنیادی نداشته باشد. از سوی دیگر اقتصاد

جمع‌بندی

بنیاد معماری ارمنستان و گرجستان از دوران قبل از تاریخ در بناهای آیینی تجلی می‌یابد، استقرار مسیحیت، آغاز و تقویت معماری کلیسا را در این مناطق، در طی دوران بعدی به دنبال داشته است. کلیسا نقطه عطف شهر و روستا را تعریف می‌کند. در امتداد جاده‌ها و کوره راه‌ها و در دل طبیعت، صومعه و کلیساها، هم‌نشینی برای دشت‌های وسیع، درختان بی‌شمار جنگل‌ها و یا قلعه‌های سفید کوه‌ها را از این رو قفقاز سرزمین معماری کلیساهاست. کلیساهای این بی‌رقیب در دوران تاریخی بعد از مسیحیت، زبان گفتگوی تمدن قفقاز با تمدن‌های هم‌جوار است. ساختار شکل معماری کلیساهای اولیه از معابد بومی محیط سرچشمه گرفته که شامل چارتاکی‌هایی است که ریشه در معماری باستان ایران دارد. با وجود معابد قبل از مسیحیت در منطقه تداوم معماری آیینی گذشته در کلیساهای اولیه مشهود است.

ساده و مردمی بودن معماری در ابتدای دوره کمونیسم و عظمت‌گرایی و تزئینات پیچیده در اواخر آن دوره قابل مشاهده است. ایجاد فضاهای شهری وسیع و خیابان‌هایی عریض و طولانی نماد قدرت در دوره کمونیسم است. آرمان کمونیسم برای توده‌ها در ساخت مسکن در کمیت بالا، بدون توجه به هویت بومی و کیفیت زندگی تحقق یافته است؛ ایجاد آپارتمان‌های فشرده و بلند و طراحی فضاهای مسکونی در مقیاس حداقلی که حکم خوابگاه را دارد. مسکن روستایی در منطقه در خدمت فراهم آوردن زیرساخت‌های کشاورزی بوده و طرح‌های توسعه کشاورزی شکل روستا را تعیین می‌کرده است. مسکن روستایی نیز فارغ از ویژگی‌های بومی معماری به صورت تکرار چند نمونه محدود معماری که توسط دولت مرکزی تعیین می‌شد، ایجاد شده است.

حضور ۸۰ ساله کمونیسم در این منطقه و توجه خاص آن به معماری و اقدامات شهری و روستایی مانع از ایجاد کلیساهای نو بعد از فروپاشی کمونیسم نشده است. معماری کلیساهای مدرن با الگوگیری از معماری سنتی منطقه و در حد تکرار آنها با مقیاسی بزرگ‌تر و با ساختمایه‌های امروزی شکل گرفته است. در حالی که معماری بناهای دولتی قفقاز تحت تأثیر جهانی‌سازی معمول کشورهای در حال توسعه است. برای نمونه شیوه طراحی پوشش‌های مستقل از معماری بنا، که روی آن کشیده شده، قابل توجه است؛ رویکردی از معماری که سعی دارد با تحمیل فرم به ظاهر روزآمد، توسعه، ثروت، عظمت‌گرایی و خلاقیت را عرضه کند. بناهای جایگزین نظام سوسیالیستی، ناشی از ورود به اقتصاد سرمایه‌داری در قفقاز به شدت در حال افزایش است که بیشتر این بناها شامل مراکز خرید یا نمایندگی مارک‌های جهانی است. ویژگی‌های معماری این گونه بناها تحت تأثیر اقتصاد جهانی و با کیفیتی پایین‌تر از آنها تقلید شده است. حتی خیابان‌های شهر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تغییر کاربری بر خیابان‌ها به تجاری، از نمودهای آن است.

نتیجه‌گیری

- بناهای مذهبی قفقاز از مهم‌ترین گونه‌های معماری دوران تاریخی بوده و الگوگیری کلیساها از این‌ها آیینی قبل از مسیحیت کاملاً مشهود است.
- ساختار مستطیل شکل معماری کلیساها از معابد گذشته الهام‌یافته و در ادامه آن کلیساهای صلیبی شکل با گنبد رایج شده است.
- سلطه کمونیسم و ممانعت آن از ایجاد کلیسا نتوانست، سنت ایجاد کلیسا را در منطقه بزداید. معماری مدرن قفقاز و ایجاد بناهایی با حاکمیت سرمایه‌داری نیز نتوانسته ایجاد کلیساهای جدید را در این منطقه به تعویق اندازد. به نظر می‌رسد کلیسای‌سازی در دوره معاصر دارای رونق ویژه‌ای شده و جنبه‌های ملی‌رهایی از سلطه کمونیسم و نمود آزادی مذهبی و تلاش حکومت برای مدیریت مذهب را به همراه دارد.
- ویژگی‌های معماری مدرن قفقاز تحت تأثیر جهانی‌سازی و اقتصاد سرمایه‌داری در حال تغییر است. به طوری که کلیساهای مدرن با الگوی سنتی و مصالح جدید ساخته شده‌اند. اگرچه ریشه شیوه مذکور پافشاری بر فرم‌های آیینی در کلیساهای این منطقه است اما احیای هویت ملی و آیینی آنها در ساخت کلیسای کلاسیک، نشانی برای پشت سر گذاشتن سلطه کمونیسم و ورود به دوره استقلال‌ارزیابی می‌شود.
- معماری مدرن مسکونی قفقاز در دوره بعد از کمونیسم توسعه کمی محدود داشته است. این امر ناشی از برنامه‌ریزی و کفایت آن در زمان کمونیسم است که در دوره جدید نیز جوابگوی نیازهاست. امکان تغییر در خانه‌ها که از کیفیت پایین‌تری برخوردار شد به دلیل ضعف اقتصادی مردم وجود ندارد.
- اگرچه معماری مدرن قفقاز سعی دارد با راهکار نمایش فرم‌های جدید در ساختمان‌ها، وضعیت خود را با جو موجود کشورهای پیشرفته همراه نشان دهد؛ ولیکن از سویی این تقلید در سطحی ضعیف ارائه شده و از دیگر سو ناهمگن بودن کمی توسعه معماری و شهری در این منطقه را به نمایش می‌گذارد.